

ستون اول

تلویزیون پرتو با کوروش مدرسی



۱- سرما و قطع گاز
اقتصاد در جمهوری اسلامی

... جمهوری اسلامی یک نظام سرمایه داری مریض ، یک سرمایه داری کج و کوله ، یک سرمایه داری اسلامی است. به یک معنی هم حتی غیر متعارف است ، چرا که ابعاد مصیبت های جامعه سرمایه داری را به مراتب زیاده تر می کند و فلاکت و محنتی که سرمایه داری بوجود می آورد را تشدید میکند . سرمایه داری همیشه با عرق جبین و خون طبقه کارگر و زحمت کش و این بخش از جامعه است که به اصطلاح رشد می کند.

۲- تعرض سیاسی رژیم،
نوک حمله، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب

... می خواهم بگویم اینها همه بهانه است. بهانه ای که خود جمهوری اسلامی می داند. در نتیجه برای توجیه تعرض سیاسی اش پاپوش درست میکند و سیستماتیک این کار را می کند. میخواهد وضعی ایجاد کند در جامعه که بگویند مبارزه برای آزادی و برابری بیهوده است، نمی شود آقا جان می گیرندت، برایت پاپوش درست می کنند، ده پانزده سال می اندازندت زندان، شکنجه ات می کنند، می شکنندت، مجبورت می کنند چیزهایی بگویی که حقیقت ندارد. مجبورت می کنند در زندان علیه وجدان خودت حرف بزنی .
ص ۳

انتخاب مردم
آزادی و برابری است

بار دیگر مسابقه و بند و بست جناح های مختلف رژیم بر سر تقسیم قدرت و ثروت جامعه و برای تعیین اوباشانی که قرار است چهار سال دیگر تحت عنوان نماینده مردم در مجلس اسلامی بنشینند در جریان است. نام این مسابقه را انتخابات آزاد گذاشته اند. گذاشتن نام انتخابات بر این مضحکه اهانت به رای و به شعور مردم است. مردم ایران انتخابشان را کرده اند. آزادی و برابری انتخاب آنها است.

مجلس اسلامی ایران، مکان ارتجاعی ترین موجودات و مهره های دست نشانده رژیم است. تعیین و دستچین کردن این موجودات و گماردنشان به عنوان قانون گذار و وکیل مردم، یک بی شرمی آشکار و یک نمایش مسخره است. در مملکتی که نه فقط فعالیت احزاب ممنوع است بلکه داشتن عقیده ای جز عقاید ارتجاعی اسلامی جرم محسوب میشود، در مملکتی که کمونیستها، کارگران، مدافعین حقوق زن، سازمانهای دانشجویی و هرکس چیز دیگری بخواهد و چیز دیگری بگوید را سرکوب و دستگیر و شکنجه میکنند انتخابات آزاد شوخی ای بیش نیست.

دستجات و جناحهای مختلف بورژوازی که حول این مضحکه در تکاپو هستند، نهادها و شخصیتها و مهره هایی اند که میخواهند چهره کریه این رژیم را رنگ و روغن بزنند. صفوف ملی مذهبی ها ، دوم خردادیهای سابق و مشارکتیها، اکثریتی و توده ای ها، هضت آزادی و غیره، از این قماش اند. تلاش و تکاپوی این صف، شرکت عالمانه و عامدانه آنان در جنایات سی سال گذشته جمهوری اسلامی است.

این تلاشها اگر چه برای متوهم کردن مردم است، اما در واقع نشانه استیصال این طیف است. این تلاشها برای طبقه کارگر و مردم آگاه و آزاده، نفرت انگیز است. مردمی که همین امروز شاهد زندانی و شکنجه کردن عزیزانشان به جرم بلند کردن پرچم "آزادی و برابری" و "نه به جنگ" در زندانهای سیاه رژیم هستند به این مضحکه و برپا کنندگان و حامیانش تف می اندازند.

اطلاعیه برگزاری نشست
دفتر سیاسی حزب
حکمتیست

در روزهای ۱۹ و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۸ نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با حضور اکثریت اعضاء، در استکهلم برگزار شد.
ص ۲

یک هفته تحصن در مقابل
سازمان عفو بین الملل

پیام کمپین
به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب
پیام ما به همه دانشجویان زندانی این است که ما با شما هستیم. در کنار و همدرد و همراه خانواده هایتان هستیم. ما تا آزادی همه دوستان زندانی شما از پا نخواهیم نشست.
ص ۸



ساعات پخش:
۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران
تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر،
هات برد، کانال ۶

نشریه حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، هر هفته دو شنبه ها منتشر می شود!
پرتو را بخوانید و به دوستان خود معرفی کنید!

زنده باد سوسیالیسم

اطلاعیه برگزاری نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست

در روزهای ۱۹ و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۸ نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با حضور اکثریت اعضا، در استکهلم برگزار شد.

ابتدا گزارش کمیته رهبری توسط کورش مدرسی دبیر کمیته مرکزی و ارائه شد و سایر اعضای کمیته رهبری هر یک نکات مورد نظرشان را اضافه کردند. پس از بررسی گزارش، دستور نشست به این ترتیب تصویب شد:

- ۱۶ آذر، اعتراضات دانشجویان، دستگیریها

- اوضاع سیاسی ایران و کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی بر متن اوضاع جهان و منطقه

- سازمان حزب

- فعلیت حزب در کردستان

- کمیته رهبری

- تبلیغات

- کمونیست ماهانه

- کنگره آتی حزب کمونیست کارگری عراق

- انتخابات

از میان دستورهای تعیین شده، نشست توانست موارد زیر را بررسی کند:

- اعتراضات اخیر دانشجویان، دستگیریها

- اوضاع سیاسی ایران و کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی بر متن اوضاع جهان و منطقه

- سازمان حزب

- تبلیغات

- کمونیست ماهانه

- انتخابات

- ارزیابی از تحولات اوضاع سیاسی، محور اصلی بحث و تبادل نظر نشست بود. ابتدا اعتراضات امسال دانشجویان بر متن تقابل مردم و رژیم و هدف رژیم از دستگیری دانشجویان در دل اوضاع سیاسی موجود بررسی شد. در زمینه اوضاع سیاسی، در مورد مولفه های اصلی دوره جدیدی که شروع شده است، پروسه تقسیم مجدد جهان، موقعیت جمهوری اسلامی در این پروسه و در پرتو شرایط ناشی از شکست استراتژی میلیتاریستی آمریکا و پیامدهای آن در خاورمیانه، موقعیت کنونی جنبش اعتراضی عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی، کشمکش جنبشهای اصلی بورژوازی و پرولتاری بر سر شکل دادن به حرکات اعتراضی مردم به تفصیل بحث و تبادل نظر شد.

در ادامه نشست در مورد موقعیت سازمان حزب در داخل کشور، روند انتشار منظم کمونیست ماهانه و چاپ و توزیع آن، همچنین جوانبی از عرصه تبلیغات حزب بحث و تصمیمگیری شد و بررسی بقیه بندهای دستور به جلسات کمیته رهبری و اگذار گردید.

در بند انتخابات، نشست به اتفاق آراء به ابقای ترکیب فعلی کمیته رهبری: خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، کورش مدرسی، مصطفی اسدپور و مظفر محمدی رای داد و همچنین به اتفاق آراء عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی را به کمیته رهبری اضافه کرد.

رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست

فاتح شیخ

۲۱ ژانویه ۲۰۰۸

شکست خوردگان جبهه اصلاح رژیم، این بار از پنجره وارد شده و به همراه دیگر هم پالگی هایشان، تز و تلاش اصلاح رژیم را با ایجاد "کمیته انتخابات آزاد"، تقاضای "شرایط آزاد برای انتخابات" و یا "نظارت بین المللی بر انتخابات" به میان آورده اند. این دستجات، خواه در مجلس اسلامی رژیم جا باز کنند یا خیر، بخشهایی از دستگاه سرکوب و جزئی از نظام بردگی مزدی، تحمیل فقر و بیکاری و فلاکت و توحش و بربریت بر جامعه ما هستند.

جواب مردم به انتخابات مجلس اسلامی این است: شما همه جانین مجلس نشین، دولتیها و مجرمان قوه قضاییه، زندانبانان بیش از ۷۰ میلیون مردم ایران هستید، شما غاصبان نان سفره کارگر و مردم زحمتکش، قصابان قطع دست و پای مردم، لمین های مردسالار و عاملین سنگسار زن و مجریان شریعت اسلام و آپارتاید جنسی و... هستید. حکم ما بر ساقط کردن همه دم و دستگاههای جنایت و سرکوب و استثمار اعم از مجریه و مقننه و قضاییه و پاسدار و حوزة های علمیه و مساجد و معابد و... شما است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۲۷ دی ماه ۸۶ (۱۷ ژانویه ۲۰۰۸)

تلویزیون پرتو با کوروش مدرسی

(۱)

سرما و قطع گاز اقتصاد در جمهوری اسلامی

تلویزیون پرتو: شما مطلعید که در رابطه با سرما و قطع گاز مقامات دولتی علی العموم ترکمنستان را محکوم می کنند و یا مقصر می دانند! و در این رابطه از مردم می خواهند که صرفه جویی کنند و شعارهایشان و هنر مندانشان بنوعی به کار افتاده اند که، بنی آدم اعضای یکدیگرند...، یک برنامه از تلویزیون جمهوری اسلامی را نگاه می کردم که داشت، به مردم می گفت که، مردم باید به فکر هم باشند. اما باید پرسید که چرا آنهایی که در حاکمیتند نباید به فکر مردم باشند! فکر می کنید چقدر از مشکل نبود گاز و سوخت، در مملکتی که شاید بعد از یکی دو کشور، بزرگترین تولیدکننده گاز و نفت دنیا است، مربوط به قرارداد با ترکمنستان یا بازار جهانی و چقدر مربوط به خود جمهوری اسلامی است؟

کوروش مدرسی: ببینید، اینها مسائل مختلفی اند که الآن نمی شود خیلی مفصل راجع به آنها صحبت کرد. فقط بطور اجمالی می گویم. بنظر من در این موقعیت حتی اگر ترکمنستان هم گاز را بسته باشد و یا هر کار دیگری کرده باشد، این موقعیت مربوط به وضعیت اقتصاد در جمهوری اسلامی است. در نظام سرمایه داری بیکاری و تورم هست، بعداً بیشتر راجع به اینها صحبت می کنیم، اینها ذاتی اش هستند، جزو خود سیستم هستند. منتهی جمهوری اسلامی یک نظام سرمایه داری مریض، یک سرمایه داری کج و کوله، یک سرمایه داری اسلامی است. به یک معنی هم حتی غیر متعارف است، چرا که ابعاد مصیبتهای جامعه سرمایه داری را به مراتب زیادتیر می کند و فلاکت و محنتی که سرمایه داری بوجود می آورد را تشدید میکند. سرمایه داری همیشه با عرق جبین و خون طبقه کارگر و زحمت کش و این بخش از جامعه است که به اصطلاح رشد می کند. هر چه دستمزد ها

پایین تر باشد، سود سرمایه بیشتر می شود، منطقی که همه می دانند. اما جمهوری اسلامی ابعاد قضیه را با شدت وسیع تری گسترش داده و تشدید کرده است. سیستم اقتصاد دولت جمهوری اسلامی یک سیستم اقتصاد سرمایه داری است که باعث می شود با هر اتفاق، هر تلنگری به اصطلاح در ابعاد وسیع آن سر مردم شکسته بشود. سیستم نا پایداری که وقتی تلنگری بهش بزنی مثل یک پاندولی، مثل یک کله قند و یا مخروطی که از سر گذاشته باشیم، یک تکانش بدهیم معلق می شود چون پایه و اساسی ندارد. و این باعث می شود که هر اتفاقی، زلزله ای باعث شود همه چیز به هم بریزد، باد بیاید همه چیز به هم بریزد، سرما بشود همه چیز به هم بریزد!

و البته همه چیز فقط برای مردم به هم می ریزد، آن بنی آدمی که گفتید طرف گفته اعضای یک دیگرند آنها منظورشان طیف آخوند و حوزه علمیه و سرمایه داران نیست، که آنها همه گاز دارند و برق دارند و آب دارند و نمی خواهند که اعضای یک پیکر باشند و آنهایی که وضعیتشان خیلی خوب است.

هست و در همه جا به همین اندازه بر زندگی مردم تاثیر میگذارند؟

کوروش مدرسی: کم و بیش همینطور است. منتهی دیگر این برای خود جمهوری اسلامی یک پدیده مزمنی شده، همیشه گی و بحران دائمی است. کشورهای دیگر سرمایه داری سیکل های از شکوفایی، بحران و از این چیزها دارند. اما جمهوری اسلامی سیکل شکوفایی ندارد. شکوفایی به این معنی است که بالاخره مردم گاهای اقتصاد و سطح زندگی و درآمدها می رود بالا و وضعیتشان بهتر می شود. اما بدلیل ویژگی های خود سرمایه داری در جمهوری اسلامی است که در آن، حتی امنیتی برای خود سرمایه نیست.

منتهی نفس خود قانون گرانی، مربوط به این است که پول یک کالا است! مثل برنج و روغن و طلا و جواهر و هر چیز دیگر، اما بدلیل اینکه خود واحد سنجش بقیه هست، شاید خیلی بنظر نمی آید که یک کالا است. تورم وقتی است که قیمت پول در مقابل کالاهای دیگر پایین می آید. در مقابل، قیمت همه چیز بالا می رود و ارزش پول می آید پایین.

ولی مردمی که حقوق می گیرند چه؟ تا دیروز اگر شما با حقوقتان می توانستید فرض کنید ده کیلو نان در ماه بخرید از امروز که قیمت پول آمد پایین، قیمت نان می رود بالا، می شود شاید کمتر از نصف آن.

این ابزارهای داخلی سرمایه داری از اینجا تا همه جای دیگر، تا اروپا و آمریکا و... این منطق نقش عملکرد درونی خود سرمایه است برای تعرض به سطح معیشت کارگر و زحمت کش جامعه. قیمت همه چیز را می برد بالا قیمت پول را می آورد پایین. حالا اگر شما دکاندار باشید، تا قیمت ها بالا می رود قیمت اجناس تان را می برید بالا. ولی کارگری که دارد کار می کند، اگر دستمزدش را بخواهد افزایش دهد، می داند با چه مکافات روبرو است در جمهوری اسلامی. نمی تواند قیمت کالایش که نیروی کارش است و آن را می فروشد، بالا ببرد. دستمزد ها فریز شده و اگر شما بخواهید دستمزد ها را بالا ببرید، با هفتاد تا، هفتصد تا آیت اله باید بجنگید. پنجاه جور نیروی نظامی و پلیس و پاسدار می آید سراغتان. تشکلتان را بر هم می ریزند، مگر جرم یکی مثل اسالو

کارگری که دارد کار می کند، اگر دستمزدش را بخواهد افزایش دهد، می داند با چه مکافات در جمهوری اسلامی روبرو است! نمی تواند قیمت کالایش که نیروی کارش است و آن را می فروشد، بالا ببرد. دستمزد ها فریز شده و اگر شما بخواهید دستمزد ها را بالا ببرید، با هفتاد تا، هفتصد تا آیت اله باید بجنگید. پنجاه جور نیروی نظامی و پلیس و پاسدار می آید سراغتان. تشکلتان را بر هم می ریزند، مگر جرم یکی مثل اسالو چه بوده؟ جز این که می خواسته دستمزد هایش را ببرد بالا.

چه بوده؟ این که می خواسته دستمزد هایش را ببرد بالا. همین.

ولی طرف می تواند، بانک مرکزی می تواند در یک آن قیمت پول را بیاورد پایین و به اصطلاح حجم پول در گردش را زیاد کند و نرخ بهره را می آورد پایین، پول کم ارزش می شود و قیمت ها می رود بالا. این مکانیزم های درونی سرمایه داری است. راهش این است که سرمایه داری را بیندازد.

می گویم اگر کشورهای دیگر سرمایه داری بخصوص غربی دوران شکوفایی دارند جمهوری اسلامی از آنجائیکه

پرتو: و علتش چیست؟

کوروش مدرسی: علتش در مکانیزم درونی خود سیستم اقتصاد بورژوازی است. برای اینکه معیشت را بیاورد پایین برای اینکه وقتی پول ارزان می شود وقتی که قیمت پول می آید پایین، در این وضعیت سرمایه دار و کارخانه دار و زمین دار و املاک دار سر جایشان هستند یا آنها که دلار دارند و پولهایشان و یوروهایشان را ذخیره کرده اند یا طلا و جواهر و همه چیز هایش را دارند و یا بخصوص سرمایه داری در کارخانه ها که اعتبار دارند.

آن کارگر و زحمت کشی که گاز ندارد و در سرما دارد می لرزد و آن روستا نیانی که مدتهاست ارتباطشان قطع شده، آن مردمی که در بخش وسیعی از جامعه از سرما رنج میبرند، آنها قاعدتاً باید اعضای یک پیکر باشند. می خواهم بگویم که اینها مصیبتهایی است که سر مردم می آید و این منطق جامعه سرمایه داری است. بی پولی، گرانی، تورم و همه چیز، بخشی از منطق جامعه سرمایه داری است.

پرتو: یعنی منظور شما این است که این مشکل در همه جای دنیا

کار احزاب سیاسی منجمله ما حزب حکمتیست است و این کار ساده ای نیست. برای اینکه جمهوری اسلامی هر سازمانی که مبارزه مردم را به عهده می گیرد را سرکوب میکند.

برای مثال دانشجویی که میگوید آزادی می خواهم، برابری می خواهم، برابری به معنای دسترسی به نعمات زندگی، و سازمانش را بخواهد درست کند مورد حمله قرار میگیرد. راه این است که به تدریج این سازمانها درست بشوند و دستشان را در دست هم بگذارند، وسعت پیدا کنند تا بتوان مبارزه را پیش برد.

ما مدتهاست داریم می گوئیم، مردم، در سطح محل با هم متشکل شوید. متحد شوید و دست تان را در دست هم بگذارید، کنترل زندگی را دست خودتان بگیرید. مجمع عمومی را در کارخانه سعی کنید شکل دهید. محیط ها و کانونهای مبارزه را به هم وصل کنید. محدود ماندن در خود و دست به کلاه خود گرفتن بزرگترین اشتباه این دوره است.

تغییر این وضعیت کار آدماهی است که در محل مردم را سازمان بدهند، متحد کنند، بخصوص کار کمونیستها و آزادیخواه هاست که متحد کننده مردم باشند. لولای اتحاد مردم بشوند، و باعث بشوند که مردم در محل دور هم جمع شوند.

در کارخانه گارگر دور هم جمع بشوند. اگر چنین اتحادی در میان مردم قائم شهر بود می رفتند مصادره می کردند. یک کمیته درست می کردند و تقسیمش می کردند. وقتی این نیست، راهی که برای مردم می ماند این است که بروند سنگی به شیشه فرمانداری بزنند. اعتراض در این حد که هست، نفت را به کسی نمی رسانند یا گاز را و سرما را از بین نمی برد. و جمهوری اسلامی را به آن شکل که باید عقب نمی زند.

هیچ فرمول معجزه آسایی وجود ندارد جز سازمان دادن، جز در افتادن با جمهوری اسلامی، جز متحد شدن و جز آگاه بودن به اینکه نه مساله ترکمنستان است و نه ازبکستان، بلکه تقصیر سرمایه داری در ایران و تقصیر جمهوری اسلامی است.

و حقوق هایی که به آنها میدهند به مردم بدهند. پول هست، ثروت هست در جامعه، دست مردم نیست. گاز هست، دست مردم نیست، دست یک عده سرمایه دار اسلامی است که دارد می خورد و به مردم توصیه می کند که اعضای یک پیکر باشند و با لباس بخوابند تا گرمشان بشود! اما برای خودشان اینطور نیست. خودشان در این شرایط زندگی نمی کنند. چند نفر

ما مدتهاست داریم می گوئیم، مردم، در سطح محل با هم متشکل شوید. متحد شوید و دست تان را در دست هم بگذارید، کنترل زندگی را دست خودتان بگیرید. مجمع عمومی را در کارخانه سعی کنید شکل دهید. محیط ها و کانونهای مبارزه را به هم وصل کنید. محدود ماندن و دست به کلاه خود گرفتن بزرگترین اشتباه این دوره است.

از سران ارتش و پاسدارو دولت احمدی نژاد شب سردی دارند. یا وضو با آب سرد می گیرد خودش را با آب سرد می شوید! اینها کارشان این است که مرتب دروغ تحویل مردم بدهند. همه نوکر های سرمایه داری اند و این فلاکت را به مردم تحمیل کرده اند. راهش این است که مردم متشکل شوند و از معیشتشان دفاع کنند.

پرتو: تورم ضرب در سرمای شدید، قطع گاز و وضعیت مصیبت باری که هست، در مقابل تحرک و تکان عظیم اجتماعی که در مقابل این وضعیت باشد را نمی بینیم. در بعضی از شهر های شمالی مردم به خیابان آمدند و اعتراضاتی شد. ولی با توجه به این وضعیتی که هست احساس می کنید آن تحرک و یا آن اعتراض وسیعی که راهگشا باشد نیست.

کوروش مدرسی: ببینید، اعتراض که هست در جامعه و وسیع هم هست. منتهی این اعتراض یک کاسه، هم جهت و سازمان یافته نیست. خاصیت جمهوری اسلامی همین است که نگذارد این اتفاق بیفتد و سرکوب می کند. همین دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب را برای چه گرفته اند؟ این یک فاکتور است که نمیگذارند این اتفاق بیفتد.

فاکتور دیگر این است که آن مبارزه هماهنگ که می گوئیم باید پشتش به سازمانی باشد. تلاش برای شکل دادن به آن سازمان،

کارگر اراده و تشکیلی دارد. اما در ایران جمهوری اسلامی هر نوع تشکیلی را سرکوب می کند. حتی ساده ترین تشکیلی را که کارگران شرکت واحد درست می کنند را هم سرکوب می کند.

وقتی نمیگذارد کارگران متشکل شوند، یعنی آن مکانیزمی که کارگر و زحمت کش، بتواند از معیشتش در مقابل دولت و در مقابل سرمایه دفاع کند را از او می گیرد. دولت به عنوان نماینده

سرمایه دار تضمین می کند که در دوره بحران، بحران بر سر سرمایه داران خراب نشود. و این را سر سفره خالی کارگر و زحمت کش آن مملکت سرشکن میکند.

داشتیم در باره قیمت پول صحبت می کردیم. همینجوری نگاه کنی ظاهرا دستمزد کارگر را کم نکرده اما وقتی تورم 20% باشد و حتی دستمزد کارگرا 10% هم بالا برود، تازه به این معنی است که در عمل 10% دستمزد کم شده است. همین حالا نرخ تورم در ایران بالای 30% است و دستمزدها سر جای خود اند.

حالا مزد بگیر کارگر و معلم و غیره هر چه سرشان را به دیوار بکوبند سرمایه کار خودش را میکند و اسلام هم گفته همین است. و حدو و ثغور سرمایه همین است و محترم است.

پرتو: در مساله قطع گاز چقدر می شود مردم همراه جمهوری اسلامی ترکمنستان را محکوم کنند؟

کوروش مدرسی: مساله ترکمنستان ربطی به مردم ایران ندارد. جمهوری اسلامی خودش رفته با آن قرارداد بسته خودش به هم بزند. گاز در آن مملکت هست. و پول هم در آن مملکت هست. پولی را که صرف وسایل جنگی می کنند. بودجه حوزه علمیه قم را قطع کنند گاز و نفت بخرند بدهند به مردم، پولهای را که خرج این همه آخوند می کنند

بعلت خود اسلامی بودنش نمی تواند امنیت لازم را برای سرمایه بدهد و سرمایه را در بعد کلان جمع کند فقط روی پول نفت و محصولات خوابیده و در نتیجه این بحران دائمی است. این بحران سیستم سرمایه داری که امروز در ایران هست، مستقیم و بلا واسطه سر طبقه کارگر و زحمت کش خراب میشود. و دستگاه دولت جمهوری اسلامی که امروز هست

خاصیتش این است که نگذارد کارگر اعتراض کند، نگذارد دانشجو اعتراض کند، مردم به این مکانیسم اعتراض کنند. چون اگر این مکانیزم مختل بشود، دولت مختل می شود. این ابزار بازی کردن و به اصطلاح پریدن از این بند و سنگ به آن سنگ است. برای این که از این وضع عبور کند فشارش را روی شانه های طبقه کارگر و زحمت کش جامعه می گذارد. فشار بر مردم شریفی است که معیشت شان از کار شان تأمین میشود، چون سرمایه ای ندارند، کارخانه ای ندارند، املاکی ندارند که از قبش بخورند و متضرر می شوند.

پرتو: از وقتی که جمهوری اسلامی سر کار آمده تا الان سال به سال که گرانی بیشتر شده و قیمت ها بالا رفته است بدون اینکه گشایشی حاصل شود. چرا؟

کوروش مدرسی: همین طور است. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی در دوره جنگ، پول نفت را که بدست می آورد خرج جنگ می کرد و در همان حال اسکناس چاپ می کرد تا قیمت پول بیاید پایین یعنی سر شکن می کرد و پولی را که صرف جنگ میکرد از سفره مردم می زد.

این مکانیزم قانونی جامعه سرمایه داری است. در اروپا هم همینطور است منتهی در جاهای دیگر یک درجه ای مقاومت هست و یک فاکتور های دیگری هست، طبقه

(۲)

تعرض سیاسی رژیم نوگ حمله، دانشجویان آزادخواه و برابری طلب

پرتو: مطلع هستید که که از روز دوشنبه گذشته لیست دیگری از دانشجویان آزادخواه و برابری طلب را دستگیر و روانه زندان و سلولهای اوین کرده اند برای هر کسی در آن جامعه این سوال مطرح است که رژیم میخواند چکار کند. هدفش چیست و تا کجا پیش میرود؟

کوروش مدرسی: برای جمهوری اسلامی این یک پروژه تعرض سیاسی است و ربطی به اینکه چه کسی جرم کرده و یا نکرده ندارد. این دانشجویان حتی به لحاظ قانون جمهوری اسلامی هم جرمی نکرده اند، که قانون هم نیست! اینها گفته اند ما آزادی می خواهیم. کسی بگوید ما آزادی می خواهیم، قانونا کسی نگفته، گفتن این ممنوع است. اینها گفته اند ما برابری می خواهیم، میخوانیم در برخورداری از نعمات زندگی برابر باشیم، میخوانیم فقر نباشد، بیکاری نباشد، کارگران را دستگیر نکنید به جرم اینکه که می خواهند بیکار نباشند و فقر نداشته باشند، دستمزدشان پایین نباشد، استثمار نشوند. به آنها می گویند کتاب خوانده اند

تا دلت بخواهد پول هست، ثروت هست در آن جامعه. و تا وقتی که پول و ثروت فقط برای سود سرمایه به کار می رود این زندگانی ما است.

باید جمهوری اسلامی را عقب زد باید دولت سرمایه داری را عقب راند، باید نظام دیگری را حاکم کرد. تا آن وقت هم باید فشار آورد که اگر تورم بالا می رود باید دستمزدها هم به تناسب تورم بالا بروند. این کار باید با تصویب مستقیم نمایندگان کارگران انجام شود. باید حق مذاکره دسته جمعی را بدست آورد.

باید یقه شان را گرفت که تشکلم را از من دریغ میکنید، نمی گذارید سر پایین بودن دستمزد اعتراض کنم،

مرتب قیمت پول را می آورید پایین و قیمت همه چیز را می برید بالا، معلوم نیست با ترکمنستان وارد چه رابطه ای می شوید، با آن یکی هم که هی دارید بر کوس جنگ می زنید، فضا را بدتر کرده اید بعد هم می خواهید گرسنگی و سر ما را من تحمل کنم! بیایند یک دوره جابمان را عوض کنیم. آقای خامنه ای بلند شود برود و شبانه روزی در سرما زندگی کند. آخوندها را جمع کنند ببرند جایی که یک کار شرافتمندانه ای بکنند. می خواهم بگویم این ترکیب را باید بهم زد و گرنه هیچ راه دیگری نیست، متشکل و متحد شویم.

نقش محوری را در این وسط کمونیستها دارند که باید نقش خود را در این دوره ها بازی کنند. به عنوان رهبران اجتماعی به عنوان سازمان دهندگان اجتماعی در سطح محل، سطح کارخانه در سطح شهر، دانشگاه و در سطح اداره مدرسه هر جایی که هستند.

این کل ایده ما و تلاش و فلسفه زندگی ما در این چند ده ساله بوده است.

مگر کتاب خواندن امروز در دنیا جرم است؟ کتاب امروز روی اینترنت است و در همه جا در دسترس همه است. می گویند رفته اند و به سایتهای اینترنتی سر زده اند. مگر کسی هست که نرود؟ معلوم است که امروز کسی نیست که به اینترنت نرود. می گویند با خارج ارتباط داشته اند. مگر احمدی نژاد که می رود شیخ عربستان را می بیند مثلا خیلی بهتر از فلان سازمانی است که

کسی برود در خارج ببیندش! یا مقتدا صدر خیلی آدم شریفی است نسبت به بقیه! یا فرض کنید طرف رفته با رضا پهلوی تماس گرفته مثلا مقتدا صدر خیلی بهتر از رضا پهلوی است؟

می خواهم بگویم اینها همه بهانه است. بهانه ای که خود جمهوری اسلامی می داند. در نتیجه برای توجیه تعرض سیاسی اش پاپوش درست میکند. و سیستماتیک این کار را می کند. میخواند وضعی ایجاد کند در جامعه که بگویند مبارزه برای آزادی و برابری بیپوده است، نمی شود آقا جان می گیرند، برایت پاپوش درست می کنند، ده پانزده سال می اندازند زندان، شکنجه ات می کنند، می شکنند، مجبورت می کنند چیزهایی بگویی که حقیقت ندارد. مجبورت می کنند در زندان علیه وجدان خود حرف بزنی.

هدف جمهوری اسلامی شکنستن کمر جنبش آزادخواهی و برابری طلبی در ایران است. این که می تواند یا نه، بر می گردد به اینکه آنهایی که طرفدار آزادخواهی و برابری طلبی هستند می توانند مبارزه ای موثر علیه جمهوری اسلامی سازمان دهند. با ورد خواندن نمی شود. باید سازمان داد. باید متحد کرد. باید این تعرض را پس زد وگرنه تا وقتی که اختناق هست، تلاش و مبارزه برای آزادی هست. تا وقتی که برده داری هست، برده ها برای آزادی مبارزه

است به آزادی خواهی و برابری طلبی. وعده هاشان تماما توخالی از آب در آمده، مسئله اقتصادی بروز پیدا کرده، معلوم شد دولت احمدی نژاد دولت فقر است بیشتر از همیشه، معلوم شد بیشتر از همیشه دروغ می گویند. معلوم شد در ابعاد وسیعی جریانات اسلامی عقب رفتند و جریاناتی آمدند جلو که در عرصه دفاع از آزادی و برابری مصرانند. امثال این دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب که مستقیما تعرض ش را متوجه اینها کرده، برای اینکه فکر می کند اینها کمر آن جنبش هستند و باید بشکنندشان، اعتراضاتشان را مهار کند. مساله و معضل جمهوری اسلامی این ات که امروز در دانشگاه یکی داد بزند زنده باد آزادی، فردا در کارخانه داد بزند زنده باد برابری، نمی توانی مرا استثمار کنی، به حکم اینکه سرمایه داری نمی توانی بیشتر از من از نعمات زندگی بهره ببری، این که فردا در کارخانه بگوید بله من هم آزادی می خواهم می خواهم تشکلم خودم را درست بکنم، نمی خواهم شما با تورم ات معیشت مرا مرتب بزیند. جمهوری اسلامی به تعرض سیاسی ای دست زده است تا در مقابل این پدیده بایستد و متوقفش کند. برای همین نوگ حمله اش در این دوره متوجه دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب است.

اگر منظور اینها از حکمتیست بودن دانشجویان این است که آنها گفته اند آزادی میخوانیم و برابری میخوانیم، چون گفته اند دانشگاه پادگان نیست، چون گفته اند جنگ نمیخوانیم، از مبارزات کارگری حمایت میکنیم، چون گفته اند فقر نمیخوانیم، چون آدمهای آن جامعه رهایی میخوانند...، اگر اینها حکمتیست باشند و اگر مثل ما فکر کنند. این برای ما افتخار است. و من فکر میکنم به این اعتبار میلیونها نفر حکمتیست در جامعه ایران هستند. دهها میلیون حکمتیست در جامعه ایران هست. آدمهایی که برابری میخوانند، آزادی میخوانند، فقر و استثمار نمیخوانند، آدمهایی که جمهوری اسلامی را دوست ندارند.

پرتو: این پروسه به کجا میانجامد؟
کوروش مدرسی: این پروسه دست رهبرانی است که همه این شگردها را می شناسند و راههای مقابله با این را میدانند و سازمانهای لازم برای مقابله با این را بوجود میاورند. و یک جنبشی که می تواند نتیجه این جنگ را تعیین کند. اینطور نیست که این جنگ محدود به دانشجویان آزادی خواه و

چپ بودن؛ با آزادی خواه و برابری طلب بودن تداعی می‌کند. این به دنیا آمده است. پارسال نبود. تحركات آن را قبلا در جامعه میدیدم اما امسال روی پای خودش به وسط جامعه آمد. و این برای جمهوری اسلامی به شدت خطرناک برداشت شد و تصمیم گرفت که با اصطلاح همان بچه ای که تازه به دنیا آمده را همان اول کار بزند و نگذارد بزرگ شود و حمله به آن را شروع کرد. تعرضی که امسال کرده با تعرض پارسال اش فرق می‌کند با عکس العملی که ۲ سال پیش داشت در ۱۶ اذر فرق می‌کرد. دلیل اساسی اش این بود که آن چیزی که متولد شده آنها را به وحشت انداخته و همه شان دارند در موردش حرف می‌زنند.

پرتو: این عدم تناسب در عکس العملی که رژیم نشان میدهد، اساسا بخاطر جدید بودن این تحرك است؟

کوروش مدرسی: من فکر نمی‌کنم اسم این را بشود گذاشت عدم تناسب. جمهوری اسلامی به ناراضیان اسلامی يك جور عکس العمل نشان میدهد و به سوسیالیستها يك جور دیگر. تناسب وقتی است که بگویم با هر دوتا يك جور برخورد کند و یا توقع این را داشته باشیم. جمهوری اسلامی در

بعدا از طریق انقلاب ۵۷، اینها از طریق مبارزه برای خود آزادی، مبارزه برای برابری مبارزه علیه بی عدالتی به چپ و کمونیسم کشیده شده اند. این فرق می‌کند و يك جنبش دیگر است که جمهوری اسلامی از اینکه بزرگ شود وحشت دارد. پتانسیل این جریان را میداند. این بچه شیر می‌ماند که شبیه خود شیر است. رژیم مثل کفتاری است که میخواهد بچه شیر را قیل از اینکه بزرگ شود از میدان به در کند. ولی این جنبش جوان که بدنیا آمده به نظر من دارد به شدت از خودش عکس العمل نشان میدهد. مکانیسم های دفاعی انطور که ما می بینیم دارد از خودش نشان میدهد. دارد رشد میکند. بچه های جوان از مدرسه تا دانشگاه دارند خود را با آن تداعی می کنند. امیدواریم به سرعت متشکل تر شوند وسیعتر و بزرگ تر شوند و رهبران و فعالینشان را از حلقوم جمهوری اسلامی بیرون بکشند.

پرتو: بحثی هست که می‌گوید میبایست این دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب همراه دفتر تحکیم و همراه انجمن اسلامی ها، میرفتند. مثل سالهای قبل. خودشان را مستقل و جدا نشان نمیدانند. به نام خودشان نمی‌امند بلکه تحت پوشش تحکیم وحدت می بودند.

ولی چیزی که جمهوری اسلامی دارد می‌گوید منظورش ارتباط تشکیلاتی است که ما اکیدا" و مطلقا رد میکنیم و چنین چیزی نیست. اگر فردا این را از زبان آنان نقل کنند، فقط و فقط به ضرب فشار و شکنجه و اذیت کردن این را به آنها نسبت داده اند که برای هیچ کسی و به هیچ وجهی قابل قبول نیست.

شاید این دستگیریها به این صورت نمی‌بود. و این تاکتیک تحرك مستقل را به نوعی اشتباه و کار نسنجیده ای ارزیابی میکنند. فکر میکنید این ارزیابی چقدر درست است؟

کوروش مدرسی: کاش رهبرانشان بیرون بودند و خود توضیح میدادند. شاید من نتوانم درست مسئله را بیان کنم. اما نظر شخصیم را می‌گویم و به عنوان ناظری که از بیرون دارد به این ماجرا نگاه میکند. نمیدانم استدلال خود آنها چیست. با این وجود به نظر من رهبرانشان نهایت شجاعت

و نهایت کاردانی را از خود نشان دادند. من تقریبا مطمئنم که اگر می رفتند با دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی ۱۶ اذر را برگزار میکردند به احتمال زیادی این دستگیریها نمی شد. یا دست کم در این ابعاد صورت نمی گرفت. منتهی يك وقتی هست که بچه ای دارد متولد می شود (باز برمیگردم به همان استعاره نوزاد)، اگر شما به تولد این نوزاد کمک نکنید در رحم مادر می میرد. جنبشی که امروز متولد شد دقیقا همین طور بود. شما کل پروسه درگیریهای سال گذشته را بین دانشجویان چپ و تحکیم وحدت و انجمن اسلامی ها در محیط های دانشگاهی به بینید، تعرضی که خود اسلامی ها به دانشجویان کردند به همراه جریانات اسلامی داخل حکومت شروع کردند به آنها حمله کردن و درگیریها و جدل هایی که بود، اگر دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب میرفتند دوباره با دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی يك اکسیون مشترک می گذاشتند، به نظر من خفتی را تحمل کرده بودند و این بچه ای که میتوانست سرپای خودش به ایستد دوباره رفته بود زیر سایه ی یکی دیگر. و این به شدت لطمه میخورد. دستگیری نمیدادند ولی اعتبار سیاسی شان به شدت لطمه می خورد. و آن چهره ای که امروز در جامعه می بینیم بوجود نمی آمد اگر سال آینده آن را اجرا میکردند. تصمیم درست وقتی است که وقت درستی اتخاذ شود و این تصمیم به طور کلی درست بود.

باید فرصت داد، جمع بندی کرد. حتما اشتباه زیاد دارد. من خودم میتوانم ۵۰ اشتباه را بعنوان کسی که از دور دارم نگاه میکنم بازگو کنم و برایتان بشمارم که اگر نمیکردند دامنه این ضربه ها می توانست خیلی محدودتر باشد. اما اینها بحثهای بعدی است. بعنوان يك تصمیم سیاسی من شخصا فکر می کنم که يك تصمیم به شدت عاقلانه و سیاسی بوده و با شهامت و جسارت و باید به رهبران آن و کسانی که این تصمیم را گرفتند تیریک گفت. آنها موقعیت را به نظر من درک کردند. رهبرانی بودند که از خود شهامت نشان دادند که تصمیم خطیری را در جایی که می بایست، بگیرند. مثل

برابری طلب است، نه دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب یا کلا جنبش آزادی و برابری، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در آن جامعه پایه خیلی قوی دارد به خاطر اینکه کارگر هست، استثمار هست، به خاطر اینکه سرمایه دار هست، گرانی هست، نابرابری هست، بی عدالتی هست، اینها همیشه هست. منتهی در يك جنگ خاصی این جنبش آیا میبرد یا می بازد این بستگی دارد به رهبران آن جنگ بعنوان رهبران جنبش شان، رهبران سنت شان یا رهبران سازمانی شان به معنی اخص. اینکه چه تاکتیکهایی را بکار ببرند چه روشهایی را بکار ببرند. جمهوری اسلامی هم همینطور. آیا جمهوری اسلامی میبرد؟ بستگی دارد. اگر کار نادقیق و بیرویه بکنند خوب می بازند. ولی چیزی که امروز داریم می بینیم این است که جمهوری اسلامی تعرضی کرده و در مقابلش يك صف وسیعی از اعتراض وجود دارد.

پرتو: فکر میکنی که این، جوانها را بتراساند؟

کوروش مدرسی: بعید میدانم. اولاً رابطه ای که امروز جوانها با جمهوری اسلامی دارند با رابطه ای که در دوره ما بود فرق دارد. دوما ۱۳ اذر امسال موجود دیگری را متولد کرد در صحنه سیاست ایران. ببینید اتفاقاتی در مقاطعی از تاریخ می افتد که دیگر دست کسی نیست که جلو آن را بگیرد. امروز در خیلی از جاهای ایران هر دانشجو یا هر دانش آموزی که دوست دارد آزاد باشد، این اختناق را نمی خواهد، ناراحت است از این وضعیت، فقر را دوست ندارد، خفقان را دوست ندارد و این سیستم را نمیخواهد، به خودش میگوید من آزادی خواه و برابری طلب هستم. این آن پدیده جدیدی است که متولد شده است. ۱۶ اذر امسال يك موجود جدیدی را در صحنه سیاست ایران روی پای خودش به دنیا آورد و جمهوری اسلامی هم مستقیما دارد به آن موجود حمله میکند. جنبشی عمومی که جریانات و سایه روشنها و ترکیبات مختلفی در آن هست ولی بطور کلی خودش را با

میگوید جنگ نه، صلح، زمین، نان. اینها هیچ کدام ربطی به سوسیالیسم ندارد.

یا بطور مثال خود خمینی سرکار آمد با شعار نه شرقی، نه غربی. با شعارهایی که اتفاقا خیلی به اسلامیت مربوط نیست.

امروز آزادی در جامعه ایران یعنی آزادی همه، یعنی آزادی اینکه خودت را به نمایش بگذاری. همه این را از آن برداشت میکنند. برابری اولاً یعنی برابری زن و مرد بعنوان اولین قدم. دوم یعنی برابری انسان از نعمات زندگی.

کسی ممکن است بگوید حتما باید بگویند زنده باد سوسیالیسم. میخوام بگویم که اینها بهانه گیری جریانات غیر سیاسی، فرقه ای، حاشیه ای، دو سه نفره ای هستند که در تاریخ هیچوقت محمل هیچ چیزی نبوده اند و سیاست از لای جزوه و استدلالهای سقراطی و افلاطونی نتیجه گیری می کنند. با قیاس و استقراء میروند به سراغ مسائل. اینطور نیست.

نگاه کنید جامعه را ببینید این جنبشهایی که به حرکت در آمده نماینده چه چیزی هستند. اگر کسی مدعی است که اینجوری است، خوب بره جنبش دیگری را راه بیاندازد و لابد بقیه دنبالشان میروند. من اینها را ایرادات جدی نمی بینم ولی این ایرادات همیشه توی تاریخ هم بوده. راجع به انقلاب اکبر هم گفته اند. راجع به همه تعرضات همین را گفته اند. از طرف عده ای که به نظر من سترون سیاسی هستند. شما بایستید تا من حالم خوب شود تا من افکارم روشن شود، چرت سیاسی من را پاره نکنید. و متهم کردن جنبشها به اینکه چرت سیاسی بقیه جنبشها را پاره کرده اند اینها در تاریخ سابقه دارد بنابراین نباید جدی گرفت.

میشود که خود شعار آزادی و برابری خیلی بدیل نیست در مقابل سیستمی که این دانشجویان خود را چپ می نامند. میگویند که این شعار در انقلاب فرانسه طرح شده و یک شعار بورژوازی است و به این معنی شعاری است که جریانات مدافع سیستم سرمایه داری میتوانند این را طرح کنند. میگویند کسی که پشت شعار آزادی و برابری قرار میگیرد چیز خیلی عجیبی نگفته است، نظر شما چیست؟

کوروش مدرسی: عجیبی این مسئله همین قدر است که می بینید،

شعارها در هر دوره ای معانی مختلفی دارند. يك دوره ای در انقلاب روسیه شعار جنگ نه، زمین مال دهقان است شد يك شعار سوسیالیستی. کسی آن دوره نگفت مخالفت با جنگ در چارچوب بورژوازی است. این حرف را حتی دویست سال پیش هم نگفته بودند. میخوام بگویم که این خیلی ملا نقطی و کتابی و آکادمیک بی ریشه است که شعارها را اینگونه ارزیابی کنیم. رابطه بین شعارها و جنبش ها به این صورت برقرار نمی شود.

جمهوری اسلامی آنقدر به آن حساس است که آنها را زندانی و شکنجه میکند. اگر کسانی حساس نمی شوند مسئله خودشان است. آن کسی که باید حساس شود، نشان داده که حساس است. به قول انگلس راه چک کردن مزه سیب گاز زدن به آن است. راه اینکه بفهمیم که حساس است و که نیست این است که ببینیم چه عکس العملی از خودش نشان می دهد. و دیگر اینکه شعارها در هر دوره ای معانی مختلفی دارند. يك دوره ای در انقلاب روسیه شعار جنگ نه، زمین مال دهقان است شد يك شعار سوسیالیستی. کسی آن دوره نگفت مخالفت با جنگ در چارچوب بورژوازی است. این حرف را حتی دویست سال پیش هم نگفته بودند. میخوام بگویم که این خیلی ملا نقطی و کتابی و آکادمیک بی ریشه است که شعارها را اینگونه ارزیابی کنیم. رابطه بین شعارها و جنبش ها به این صورت برقرار نمی شود. يك وقت می بینید جنبشی عروج میکند و مثلا مثل روسیه

آدمهایی که برابری میخواهند، آزادی میخواهند، فقر و استثمار نمیخواهند، آدمهایی که جمهوری اسلامی را دوست ندارند.

منتهی اگر منظورشان از حکمتیست ارتباط تشکیلاتی با حزب ما است، ما این را اکیدا رد می کنیم.

اگر تحت شکنجه آنها را مجبور به این کار کرده اند. دارند برایشان پاپوش درست می کنند. برای اینکه بلای دیگری سرشان بیآورند. ما این را رد میکنیم. اینها هیچ رابطه تشکیلاتی با ما ندارند. ولی اگر از نظر آرمانی ما هم بخشی از

→ وقتی که شما حمله می کنید به جایی که میدانید تلفات زیادی می دهید ولی اگر حمله نکنید از بین می روید. و به نظر من این در چنین موقعیتی بود. در نتیجه من با آن ارزیابی موافق نیستم. هر چند که موافقم با اینکه اگر این کار را نمیکردند خوب لابد دستگیری هم نمیدادند اما اول و آخر منطق همه چیز دستگیری نیست.

پرتو: دانشجویانی که دستگیر شده اند بخشا متهم میشوند به اینکه اینها با احزاب و جریانات خارج رابطه دارند و این را به خانواده ها هم

گفته اند. اینجا و آنجا گفته و نوشته میشود که اینها وابسته به حزب حکمتیست هستند. پاسخ شما به عنوان لیدر حزب حکمتیست در این مورد چیست؟

کوروش مدرسی: قبلا گفتم که رژیم دارد پاپوش درست میکند برای این دانشجویان و رسماً این کار را میکند. و به این ترتیب می خواهد سرکوبشان کند. اگر منظور اینها از حکمتیست بودن دانشجویان این است که آنها گفته اند آزادی میخواهیم و برابری میخواهیم، چون گفته اند دانشگاه پادگان نیست، چون گفته اند جنگ نمیخواهیم، از مبارزات کارگری حمایت میکنیم، چون گفته اند فقر نمیخواهیم، چون آدمهای آن جامعه رهایی میخواهند...، اگر اینها حکمتیست باشند و اگر مثل ما فکر کنند. این برای ما افتخار است. و من فکر میکنم که به این اعتبار میلیونها نفر حکمتیست در جامعه ایران هستند. دهها میلیون حکمتیست در جامعه ایران هست.

به حزب حکمتیست به پیوندید!

هر جا که هستید با هم متحد شوید، جمهوری اسلامی و مرتجعین را عقب برانید!
واحد های گارد آزادی را تشکیل دهید!

گزارش یک هفته تحصن در مقابل سازمان عفو بین الملل

عصر روز، جمعه ۱۸ ژانویه تحصن یک هفته ای در مقابل عفو بین الملل در حالی پایان یافت که شمار قابل توجهی از آزادیخواهان لندن و بیرمنگام و منچستر حضور داشتند. سخنگویان کمپین T دیبا علیخانی، بهزاد جواهری و نسرين پرواز گزارش فشرده ای از فعالیتهای یک هفته ای کمپین به حضار ارائه دادند. ابتدا از همه کسانی که در این یک هفته از ساعت ۹ صبح تا ۶ عصر در سرما در آنجا حضور داشتند تشکر شد. سپس از همه کسانی که با برپایی تحصن و یا بوسیله نامه حمایت خود را از کمپین ابراز نموده بودند، یاد شد.

پیام دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به متحصنین لندن و پیام متحصنین به دانشجویان قرانت شد.

سپس کمپین پیام خود را به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ارائه داد. و تحصن با قرانت پیام دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به دانشجویان و دانش آموزان سراسر ایران پایان یافت. لیست امضا کنندگان طومار حمایت از کمپین به دفتر مرکزی عفو بین الملل تحویل داده شد.

حمایت از تحصن

در روزهای تحصن نهادها و احزاب و شخصیت‌های زیادی از تحصن حمایت و تومار محکومیت دستگیری دانشجویان را امضا کردند. از جمله حمایت کنندگان از تحصن در محل، خواننده مشهور گروه بی تل ها و رفیق صمیمی جان لنون، آقای پل مک کارتنی (Paul McCartney) بود. که روز پنج شنبه در محل تحصن تومار محکومیت دستگیری دانشجویان را امضا کرد.

ملاقات با عفو بین الملل

در عرض این یک هفته چند بار با عفو بین الملل نشستهایی انجام گرفت و وضعیت نگران کننده دانشجویان و بازداشت آنها گزارش شد. روز دوشنبه ۱۴ ژانویه نمایندگان کمپین به سازمان عفو بین الملل مراجعه کرده و با آقای دریوری دایک مسنول رفتند. و خانم کلر پیرس (Claire

Pearce) را ملاقات کردند. دانشجویان زندانی حمایت کنند.

اختتامیه تحصن

بخشی از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به دانشجویان و دانش آموزان ایران

دانشجویان و دانش آموزان عزیز! نیروهای سرکوب و اختناق، تحمل شنیدن صدای آزادی و برابری از دانشگاه ها را ندارند. آنها به خیال خود میخواهند با حمله به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب صدای آزادیخواهی را خفه کنند و خواست برابری انسان ها را سرکوب کنند.

دانشجویان و دانش آموزان آزادیخواه!

امروز روزی است که هر دانشجو و هر دانش آموز آزاده بیش از هر زمان باید خود را جزئی از دانشجویان و دانش آموزان آزادیخواه و برابری طلب اعلام کند و از خواست آنها حمایت کند. جای هر رفیقی که دستگیر میشود باید با هزار رفیق دیگر پر شود.

از شما میخواهیم که هر جا که هستید، در مدرسه و دانشگاه، واحد های محلی دانشجویان، و یا دانش آموزان آزادیخواه و برابری طلب را تشکیل دهید و اعلام موجودیت کنید. اگر در اهداف ما شریک هستید، اگر خود را در جدال با به سیاهی و تباهی کشیدن محیط های آموزشی با ما در یک جبهه میدانید به این صف بپیوندید. با هر عقیده و مرامی که دارید خود را متعلق به دانشجویان و یا دانش آموزان آزادیخواه و برابری طلب اعلام کنید. این نام را بر خود بگذارید. همانطور که در مقابل تعرض برده داران همه بردگان شورش اعلام کردند که ما اسپارتاکوس هستیم امروز در مقابل تعرض به آزادیخواهی همه ما آزادیخواهان باید اعلام کنیم که ما آزادیخواه و برابری طلب هستیم.

کمپین دفاع از دانشجویان

آزادیخواه و برابری طلب

۱۹ ژانویه ۲۰۰۸

اطلاعه کمپین مبنی بر اینکه تعداد بیشتری از دانشجویان در عرض یک هفته گذشته دستگیر شده اند، را به وی دادند. از خانم پی پرس پرسیده شد که سازمان عفو بین الملل چه برنامه ای برای آزادی دانشجویان دستگیر شده دارند. ایشان گفتند که با همکاریشان مشورت کرده و با کمپین تماس خواهند گرفت.



از ایشان خواستیم که هینتی از طرف عفو بین الملل به ایران فرستاده شود. دریوری بر و خامت اوضاع حقوق بشر در ایران تاکید کرد و در جواب خواستهای کمپین، ما را به "Urgent Action" این سازمان که در ۱۳ دسامبر انتشار یافته بود، ارجاع داد. و اینکه آنها بارها از رژیم ایران تقاضای رفتن هینتی به ایران برای بررسی وضعیت زندانیان و حقوق بشر در ایران را نموده اند. اما رژیم از پذیرش هر هینتی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران سرباز زده است.

پیشنهاد شد که عفو بین الملل بطور موثر و برای دفاع از دانشجویان کمپینهایی را سازماندهی کند. در ادامه از نمونه عفو بین الملل شعبه نروژ که شنبه گذشته فراخوان به تظاهرات در مقابل پارلمان نروژ، در دفاع از دانشجویان داده بود، نام بردیم. ایشان مسئولیت سازماندهی این نوع کمپینها را به شعبات کشوری امنستی و نه دفتر مرکزی امنستی ارجاع داد و گفت که خواسته ها و بیانیه کمپین را برای این بخش خواهد فرستاد.

پیام کمپین به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب

پیام ما به همه دانشجویان زندانی این است که ما با شما هستیم. در کنار و همدرد و همراه خانواده هایتان هستیم. ما تا آزادی همه دوستان زندانی شما از پا نخواهیم نشست. تحصن یک هفته ای ما در اینجا پایان یافت، ولی کار کمپین پایان نیافته است. برنامه های آتی کمپین را به اطلاع همگان خواهیم رساند و امیدواریم که همه انسانهای آزادیخواه از فعالیتهای کمپین در دفاع از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب برای آزادی همه